



دکتر اردشیر خدا دادیان

# خلیج فارس در آئینه تاریخ ایران و اسلام

Mare Persicus در نقشه عربستان، هندوستان و خلیج فارس اثر لویو هومن (هومن) - ۱۴۹۷-۱۵۷۲ م

### پیش سخن

تکرار بدیهیات و تأکید بر آن گاهی اجتناب‌ناپذیر است. خلیج فارس چون نگینی تابناک هزاره است که بر پیکر ایران‌زمین می‌درخشد. بُعد سیاسی این لغزش بدین‌گونه است که هدایت‌کنندگان این جریان نیک می‌دانند که نامی جز خلیج فارس در تاریخ نیست و عوامل آن‌ها نیز آن رامی‌دانند ولی این عوامل نیز آگاهانه تجاهل می‌کنند.

\*\*\*\*\*

خلیج فارس نامی است که همانند دیگر اماکن جغرافیایی و آب‌های کره زمین در اسناد تاریخی و جغرافیایی - تاریخی به ثبت رسیده، ضبط شده و در اذهان ساکنان کره زمین با آغاز تاریخ ایران یا سرزمین پارت‌ها جا افتاده و سینه به سینه انتقال و استمرار یافته و از خاطرها هیچ‌گاه محو نخواهد شد. هر چند بر آنم که در پژوهش‌ها و تالیفاتم از تکرارها بپرهیزم، ولی این نکته را ناگزیر تکرار می‌کنم که نام خلیج فارس در اسناد تاریخی و نقشه‌های کهن جغرافیایی تحت عناوین Sinus Persicus، Gulf of persia، Persisckor Golf و Mare Persicum و از جمله الخلیج الفارسی و بحرالجم آمده است. گفتنی است که واژه لاتینی «Mare» همان واژه آلمانی «Meer» به معنای «دریاچه» است و در واژه Meer Kaspisches یعنی دریاچه مازندران یا بحر خزر، دریای خزر و یا دریای مازندران که در اصل دریا یا دریاچه قزوین دانسته شده است، می‌باشد. خلیج فارس یا دریای پارس نیز در متابع کهن لاتینی و یونانی، «دریاچه پارس» آمده است که در مقایسه با دریای سرخ و دریای مدیترانه و نیز دریای سیاه «بحرالاسود»، گرچه دریای بزرگی است، دریاچه پنداشته می‌شود. کمبوجیه دوم (۵۲۹ تا ۵۲۲ پیش از میلاد مسیح) ناوگان بزرگ سپاه دریایی خود را جهت پیوستن به سپاه زمینی‌اش که از طریق صحرای سینا گسیل شده بود، جهت حمله به مصر از مبدأ خلیج فارس اعزام کرد. خلیج فارس به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های بازرگانی دریایی در ایران پیش از اسلام و دوران اسلامی، در اسناد

جهانگردان و یادداشت‌های بازرگانان چینی، هندی، عربی، سریانی و... به کرات مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در دوره زمام‌داری اشکانیان که از ۲۵۰ پیش از میلاد مسیح تا ۲۲۶ میلادی بر ایران و ایرانیان فرمانروا بودند، مروارید خلیج فارس یکی از اقلام بسیار مهم کالاهای تجارتی آنان از جمله به مقصد چین ارسال می‌شده است. چینی‌ها از همین راه کالاهای خود را به ایران اشکانی و ساسانی می‌فرستادند و کشتی‌های پارتی، چینی، هندی و... پیوسته در هر شرایطی در کرانه‌های دریای پارس پهلو می‌گرفته است.

بزرگراه شاهی که در عصر شهرسازی داریوش یکم (بزرگ) ۵۲۲ تا ۴۸۶ پیش از میلاد مسیح) احداث شد به استناد کتیبه‌های به جای مانده و اسناد یونانی، بابلی و... از سارد پایتخت سرزمین لیدی تا شوش در جنوب غربی ایران به طول ۲۵۰۰ کیلومتر امتداد داشته و تا کرانه خلیج فارس این مسافت به ۲۶۵ کیلومتر می‌رسیده است و در فاصله هر ۲۵ کیلومتر یک کاروانسرا، جمعاً ۱۰۰ تا ۱۱۰ کاروانسرا فعال بوده که به اهمیت و کارکرد این کاروانسراها نخواهم پرداخت. پیش از فروپاشی دولت هخامنشی، زمام‌داری چون اسکندر مقدونی بارها از اقتصاد و تجارت نیرومند پارسیان سخن رانده و شیفتگی خود را از راه‌های بازرگانی ایرانیان ابراز داشته‌اند. اخلاف وی نیز این چنین کردند. اسکندر در رأس آرزوهایش تصاحب جاده یا بزرگراه شاهی و عایدات تجارت دریایی ایرانیان از خلیج فارس بود. در دوران اسلامی نیز همین روند تجاری و بازرگانی دریایی استمرار و ادامه یافت. ایرانیان نخستین کسانی بودند که پیشرفته‌ترین ابزار و امکانات را با بهره‌گیری از کشتی‌های غول‌پیکر به تجارت دریایی پرداختند. داریوش یکم سکیلاکس (Skyllax) را که دریانورد قابلی بود، مأمور کرد تا از مسیر دریای پارس و اقیانوس هند و کرانه‌های دورتر کامل‌ترین نقشه را جهت تعقیب و تحقق اهداف اقتصادی و نظامی ایرانیان تهیه

آب‌های مهم آن روزگار یعنی اقیانوس‌ها و دریا‌های کوچک و بزرگ چون دریای سیاه، سرخ، مدیترانه و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی جهت بازرگانی دریایی چون کارون، سند، پنجاب و نیل و... با مبدأ خلیج فارس جهت دست‌یابی به آن‌ها در نقشه‌های خود ترسیم کرده‌اند.

تأمین و تضمین امنیت کسروان‌های تجاری، کشتی‌های بادی و مسافری در طول تاریخ پیش از اسلام پیوسته در آثار مورخان، جهانگردان و بازرگانان زبانزد بوده است. علی‌رغم همه رویدادهای جوی، نظامی و خطرات دیگر چون سیل، برف و یخبندان، جنگ، سارقان و حوش، امنیت کرانه‌های خلیج فارس همانند دیگر نقاط ایران در شبکه‌های ارتباطی در خاک ایران جزو وظایف مهم زمام‌داران ایرانی در دوره‌های ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی و نیز دوران اسلامی بوده و می‌باشد. نظارت بر ترده در این آبراه بزرگ از زمان‌های بسیار دور پیشین معتبر و متداول بوده و همین شیوه در دوران اسلامی با کمال قدرت دنبال شده است. واژه دریای پارس که به عنوان «خلیج فارس» در آثار، اسناد و نقشه‌های جغرافیایی ثبت و ضبط است از نظر علمی، تاریخی و عقلی یگانه واژه درست می‌باشد.

مورخان عرب، ایرانی، مسلمان و غیرمسلمان اتفاق نظر دارند که دریای پارس یکی از معابر آبی کهن ایرانیان است. ابن بلخی مورخ عرب، مسلمان و ایرانی‌الاصل که از نجبای باختر، یا بلخ اباکتریا است در فارس نامه خود تنها خلیج فارس را می‌شناسد و راه‌های خلیج فارس را به مناطق مختلف ایران و سرزمین‌های دور و نزدیک دیگر با ذکر فواصل آن‌ها را نام برده است. بدیهی است که نمونه‌های دیگری از این واژگونی‌ها و دخل و تصرف در نام‌های اصیل شهرها، رودها و سایر اماکن جغرافیایی گهگاه به چشم می‌خورد که پرداختن به آن مقوله در حوصله این سخن نیست، از آن جمله است میان‌دورود یا میان‌رودان که به بین‌النهرین تبدیل شده است، ولی در اسناد و منابع خارجی همان Mesopotamien Mesopotamy به معنای میان‌رودان حفظ شده است.

از آرنولد ویکسون اثر برجسته و عالمانه‌ای در زمینه جغرافیای تاریخی به جای مانده است که به «خلیج فارس» معروف است. وی به پیشینه تاریخی خلیج فارس این‌گونه پرداخته است: دریای پارس در ایران باستان از نظر تجاری و استراتژیکی (سوق‌الجیشی) اهمیت زیاد داشته است. این دریا در سده هفتم پیش از میلاد مسیح پیوندهای سیاسی و فرهنگی و ارتباطات و برخوردهای نظامی و کشمکش‌های دریایی میان مردمان کلدانی و عیلامی را در خاطره تاریخ زنده می‌کند. این دریا به طریق اقیانوس هند بخش‌های آسیا را به هم متصل

## واژه دریای پارس که به عنوان «خلیج فارس» در آثار، اسناد و نقشه‌های جغرافیایی ثبت و ضبط است از نظر علمی، تاریخی و عقلی یگانه واژه درست می‌باشد

کند. دانشمندان، پژوهشگران و استادان هندی از طریق اقیانوس هند و دریای پارس به مرکز علمی جندی شاپور می‌آمدند. حفاظت از امنیت کرانه دریای پارس به دستور کوروش دوم (بزرگ) ۵۵۹ تا ۵۲۹ پیش از میلاد مسیح) سازمان‌دهی شد و داریوش آن را با استقرار نیروهایی که امروز به آنان پلیس دریایی گفته می‌شود، به کمال رسانید و پارتیان و ساسانیان نیز آن را حفظ کردند. سه تن از جغرافی‌دانان عرب مسلمان یعنی ابن حوقل، ابن خردادبه و استخری (اصطخری) در آثارشان که برجسته‌ترین آن‌ها سه اثر به نام «المالک و الممالک» می‌باشد، خلیج فارس را در شمار مبادی مهم بازرگانی در مشرق زمین و به‌ویژه در صدر اسلام دانسته‌اند. دانشمندان پیوسته فواصل و مسافتات جغرافیایی را از مبدأ خلیج فارس به آسیای صغیر، اروپا، بین‌النهرین، مصر، هند و دیگر سرزمین‌های آسیایی، اروپایی و آفریقا محاسبه می‌کرده‌اند. فاصله

«بحر فارس» در نقشه جهان ابوالقاسم احمد النصبی مشهور به ابن حوقل (قبل از ۳۲۰-۳۷۸ هـ ق) از کتاب «صورة الارض» نسخه خطی ۴۷۹ هـ ق.



## ایرانیان نخستین کسانی بودند که پیشرفته ترین ابزار و امکانات را با بهره گیری از کشتی های غول پیکر به تجارت دریایی پرداختند

می‌کند. ویلسون بر این باور است که در دوران باستان سومری‌ها، آشوری‌ها، بابلی‌ها و کلدانی‌ها که بعدها اجزای لاینفک شاهنشاهی ایران گردیدند، در آب‌های خلیج فارس کشتی‌رانی را آغاز کردند.

در این خصوص مورخان و جغرافیادانان یونانی و رومی چون بطلمیوس، استرابون و پلینیوس (پلینی) در آثار خود آگاهی‌های مشروح و مفصلی به اهل تحقیق داده‌اند. گفتنی است که اعراب به کرانه‌های این دریا و دیگر سواحل ایران دست‌اندازی کرده که با بی‌نظمی، غارت و چپاول همراه بوده است و به وسیله زمامداران ایرانی از جمله شاپور دوم (بزرگ، ذوالکثاف ۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) به عقب رانده و سرکوب شده‌اند.<sup>۱</sup> جهانگردان، تاریخ‌نویسان و دریانوردان اروپایی، موقعیت خلیج فارس را پیوسته از نظر اقتصادی و سیاسی حساس شمرده‌اند و در حال حاضر نیز در مؤسسات علمی و خاورشناسی دانشگاه‌های اروپا و به طور کلی مغرب زمین سمینارها، کنفرانس‌ها و کنگره‌های با اهمیتی درباره اعتبار تاریخی خلیج فارس برگزار می‌شود. به خاطر عظمت و وسعت چشمگیر خطه پارس (Persis) که بزرگ‌ترین بخش و تاریخ‌سازترین استان در ایران باستان بوده و تا سواحل خلیج فارس گستره داشته است، این خلیج از زمان‌های بس کهن به این اسم نام‌گذاری شده است و بر این اساس یونانیان، رومیان، ترکان و مردمان آسیای صغیر و نیز مصریان و عرب‌ها در آثار و نوشته‌های جغرافیایی خود آن را به نام خلیج یا دریای پارس نامیده‌اند و در مراکز علمی آن‌ها از قدیم‌الایام تنها این عنوان مصطلح و شناخته شده است. پایگاه‌های پر دامنه و مجهزی که در سرتاسر کرانه دریای پارس در ایران باستان و از جمله در دوره هخامنشیان برپا بوده است، نیروی دریایی ایرانیان را در جهان باستان از نظر توانایی و تجهیزات زیانزد مورخان و گزارش‌نویسان کرده است. به موازات این تجهیزات در ننگرگاه‌های این خلیج پیوسته کشتی‌های باری و آذوقه و

دیگر ابزار، مصالح و مایحتاج جنگی پیوسته به حال آماده‌باش حضور داشته‌اند و پادشاهان هخامنشی همواره شخصاً این‌گونه برنامه‌ها را رهبری و نظارت می‌کرده‌اند! افزون بر این کشتی‌های باری و تجاری که از اقصی نقاط جهان و به‌ویژه از هند، چین و عربستان و مصر و دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی که پیمان‌های بازرگانی با ایرانیان داشته‌اند، در کرانه‌های خلیج فارس لنگر انداخته، تخلیه و بارگیری می‌کرده‌اند. خلیج فارس این موقعیت ممتاز و هنوز کم‌نظیر را از قرن‌ها پیش دارا بوده و این ارزش بازرگانی، سیاسی، استراتژیکی و اقتصادی خود را در سطح بین‌المللی تا به امروز حفظ کرده و هم‌اکنون نیز در عرصه‌های اخیرالذکر می‌درخشد. دو تن خاورشناس و ایران‌شناس اتریشی به نام‌های پروفیسور ویلهلم براندنشتین و مانفرد مایرهورفر در کتاب مشترکشان تحت عنوان «کتاب پارسی باستان» کوشیده‌اند که نام‌های اصیل مناطق و اماکن جغرافیایی در دوره فرمانروایی هخامنشیان در نقشه‌ها و فهرست اعلام کتاب گنجانده و معرفی کنند و خلیج با اهمیت فارس یکی از این نام‌ها و دریاهایی است که این دو خاورشناس به آن پرداخته و به گونه‌ای علمی و تاریخی معرفی کرده‌اند.

پروفیسور ولفگانگ لنتس (prof. W. Lenz) در شهریور ۱۹۷۶ در خلال هفتمین کنگره باستان‌شناسی ایران در شهر مونیخ آلمان به من چنین گفتند: خنده‌دار است که به جای خلیج فارس از خلیج عربی که هیچ وقت وجود نداشته است، نام برده شود. این خلیج از همان آغاز یعنی قرن‌ها پیش به نام پارس معروف است و جز این چیزی غیر از تزویر تاریخی نیست و این کار

### «الخلیج الفارسی»

در نقشه جهان سراج الدین ابو حفص عمر مشهور به ابن الوردی (۶۹۱-۷۴۹ هـ ق) از نسخه خطی کتابخانه ابالتی پرونس (آلمان) برلین



غیرعلمی و غیرمجاز است و نامی دیگر شناخته شده نیست.

ضمناً پلنیوس مورخ رومی سده نخستین میلادی که شخصاً از خلیج فارس دیدن کرده است در کتاب معروف خود تحت عنوان «تاریخ طبیعی» از خلیج به نام «دریای پارس» نام برده است.

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: مرآت البلدان، تصحیحات، حواشی و فهارس از دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۶۸، چاپ دانشگاه تهران. خدادادیان، اردشیر؛ پیشینه تاریخی خلیج فارس، مجله دانشکده، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

### منابع:

۱. تقویم البلدان، تألیف ابوالفدا، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱۳۴۹.
۲. تاریخ جغرافیایی خوزستان، اثر محمدعلی امام شوشتری، ۱۳۳۱.
۳. بسندعباس و خلیج فارس تألیف محمدعلی سریدالسلطنه، تصحیح و مقدمه و فهارس از احمد اقتداری، ۱۳۴۲.
۴. جغرافیای کامل جهان، تألیف حبیب‌اله شاملری، ۱۳۵۱.
۵. آثار شهرهای باستانی خلیج فارس و دریای عمان، تألیف احمد اقتداری.
۶. جغرافیای تاریخی ایران، تألیف بارتولد، جهانگرد روسی، ترجمه خسرو سردادور، ۱۳۰۸.

1. H. Harmata; Acta antiqua 2, Budapest, 1954.
2. Spuitor, B. Iran in Frühisl. Zeit, Wiesbaden, 1954.
3. Colpe, C: Sassaniden in lexikon des isl. wect, bd.3; 1974
4. Brondonstein, W. Mayrhofer, M: Hardbuch des Altpers. Wiesbaden, 1964.

در همه نام‌نامه‌ها، نقشه‌های جغرافیایی و دایرةالمعارف‌ها تنها خلیج فارس ثبت و ضبط است و محرکان خود بر این امر واقفند، لذا برای حفظ اطلاعات خود افراد ساده‌لوح را وادار کرده‌اند که به جای خلیج فارس عناوین دیگر را به کار ببرند.

خلیج فارس در پاره‌ای منابع جغرافیایی و جغرافیایی - تاریخی جغرافی دانان مشرق‌زمین واژه «دریای پارس» که هخامنشیان برای خلیج فارس به کار می‌برده‌اند بی‌هیچ تغییری به زبان عربی توسط محمدحسن خان اعتمادالسلطنه<sup>۲</sup> تحت عنوان «بحرالجم» به کار برده شده است. بی‌هیچ تردیدی وی نیز این عنوان را از پیشینیان گرفته و به کار برده است. این اطلاعات جغرافیایی از

مرآت‌البلدان است: در زیر تمام مملکت ایران به مسافت چهارصد فرسخ مخرج و راهی است که آب بحر خزر از آن راه به خلیج فارس می‌ریزد و از آن‌جا به دریای هندوستان (اقیانوس هند) اتصال می‌یابد (مرآت‌البلدان، ص ۲۹۶/ جلد ۱). رود دجله که فرنگی‌ها آن را تیگر (Tiger) و تیگریس (Tigris) می‌نامند سرچشمه و منبع در جبال ارمینیه دارد و تخمیناً پانزده میل در جنوب منبع فرات است و محل و مجرای او همه جا از جانب شرقی فرات و در قورنه پنجاه میل برای بصره به فرات وصل می‌شود و مصب او خلیج فارس و قدما دجله را به واسطه شدت جریان آب او «تیر» (تیزرود) می‌نامیده‌اند (مرآت‌البلدان، ص ۳۹۱) شهر قدیم بلخ که چنگیزخان و امیر تیمور خراب کردند، در خرابه‌های آن مسجدی از بناهای سلطان سنجر است و نیز در خرابه‌های آن بعضی آجرها یافت می‌شود که در روی آن خطوط میخی به نمونه همان خطوطی که در شهر قدیم شوش و در بعضی بلاد واقعه در کنار خلیج فارس که از قدیم مانده است مترسم است (مرآت‌البلدان، ص ۴۲۵-۶).

شاه‌عباس بزرگ در سنه هزار و شش هجری به دفع طایفه ازبک به هرات رفته آن‌ها را قلع و قمع نمود و از یک طرف سرحد مملکت خود را بلخ و از سمت دیگر جزایر خلیج فارس قرار داد (همان، ص ۴۳۲). و اما گزارشی مستند از سده چهارم پیش از میلاد مسیح: می‌توان گفت که نآرک، نآرک (یونانی Nearchos) اول ناخدای بزرگ و اول مسافری است که در دریای هند و ایران به این تفصیل سفر کرده و از روی سفرنامه او بود که تقریباً چهارصد سال قبل پرتغالی‌ها به خلیج فارس آمدند (همان، ص ۴۵۸).

نآرک (نه‌آرخ) در سفرنامه خود آورده است: آنگاه حکم کردم لنگرهای کشتی‌ها را کشیده بادبان‌ها را افزاشته حرکت نمودند و خود در کشتی کوچکی نشسته به طرف شهر راندم. همین که به ساحل رسیدم، اهالی بلد که مرا دیده استقبال نموده مهمان‌پذیر شدند و ماهی سرخ‌کرده برای من آوردند. و در این سفر که ابتدای آن از دریای سند و منتهی به خلیج فارس شده، این اول مرتبه بود که اهالی ساحلی را دیدم که ماهی را سرخ نموده و می‌خوردند. (همان، ص ۳-۴۶۲). گفتنی است که سکاها به روایت هرودت ماهی را در آفتاب خشک کرده و با مواد و گوشت جانوران دیگر از جمله انسان مخلوط کرده و می‌خورند. نه آرخ (نآرک) در جای دیگر می‌گوید: از من خواهش کردند که کشتی‌ها را رها کرده از راه خشکی خود را به اردوی اسکندر برسانیم. من به آن‌ها جواب دادم که غرض از مأموریت من به این سفر این بود که سواحل دریا را الی مدخل شط‌العرب و خلیج فارس سیر کنم و از روی

بصیرت و اطلاع نقشه بردارم (همان، ص ۵-۴۶۴). گویند در این جزیره قبر یکی از سلاطین بزرگ است موسوم به «اریتار» که از سلاطین ایران بود و در سواحل دریا شکار می‌کرده شیری به او حمله می‌نماید، او خود را به دریا می‌اندازد که در کشتی کوچکی که در آن ساحل بود بنشیند و خود را از شر شیر ایمن نماید. باد او را به این جزیره می‌اندازد. چون جزیره را خوش آب و هوا می‌یابد مراجعت نکرده همان جا ساکن می‌شود و تمام خلیج فارس و بحر عمان و دریای احمر در تصرف این پادشاه بود (ص ۴۶۸).

«مرآت البلدان (مرآت البلدان) چنان که از نامش پیداست، کتابی است در شرح شهرها، قری و قصبات ایران زمین یعنی ایران بزرگ که شامل منطقه‌ای بود از رود سیحون تا ماورای فرات و از دربند باب‌الابواب در شمال بحر خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس (همان، جلد اول، ص سی و یک).

... از کجا به بندر دیلم آمدم. چهارصد استاد دیگر چون راه پیمودیم به دهنه رودخانه (اندیان) هندیان واصل شدیم. اندیان سرحد خوزستان و فارس است. نازک گوید بزرگ‌ترین رودخانه‌ای که به دریا می‌ریزد بعد از رودخانه سند همین رودخانه اندیان است و گوید هیچ یک از سواحلی که من پیمودم مانند خلیج فارس آباد و مزروع نیست (همان، ص ۴۶۹).

بوشهر: اعظم بنادر خلیج فارس و در انتهای شمالی شبه جزیره‌ای واقع شده که طول آن شبه جزیره سه فرسخ و عرض آن یک فرسخ و سمت غربی آن محدود به دریای پارس است (همان، ص ۴۷۸).

نظر به کدورتی که فی مابین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده، در اوایل ماه ربیع‌الثانی کشتی‌های جنگی انگلیس به خلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و... (جلد ۲ و ۳، ص ۱۲۷۵).

اگر در بحرالعمم دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیمة انگلیس به شرط امکان و فراغ بال در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند... (همان، ص ۸۶۵).

ثنا: از بلوک گرمسیر کنار بحرالعمم است، در جنوبی شیراز و جزء دشتی است (همان، جلد ۴، ص ۱۸۶۵).

چارک: قریه‌ای است از قرای توابع بلوک لارستان فارس در کنار بحرالعمم (خلیج فارس - پانویس) واقع و جزء بنادر محسوب می‌شود، همان، جلد ۴، ص ۱۹۳۲).

جراش: قریه‌ای است از قرای بلوک لارستان فارس به این معنی که تل مخروطی بسیار مرتفعی است در اطراف این تل خانه ساخته‌اند. خانه کدخدای جراش که غالباً مرد معتبر با ادعایی است در قلعه تل می‌باشد. برکه و آب‌انبار

زیادی در اطراف تل ساخته شده. تقریباً پانصد خانوار در جراش است و بی‌عظمتی نیست. یک حمام و دو مسجد دارد. نخیلات و زراعت آن‌جا از آب باران مشروب می‌شود. مردمش شیعی مذهب و سلاح ورزند. قریه مزبور در کنار بحرالعمم و از متعلقات بنادر محسوب می‌شود (همان، ص ۲-۲۱۸۱، جلد ۴).

هر چند قلمرو امپراطوری هخامنشی از ورود دانوب در اروپا تا حبشه در آفریقا امتداد و در زمان خود از وسعت بی‌نظیری در تاریخ جهان باستان برخوردار بوده است، ولی این را باید دانست که دریای مازندران (بحر خزر، کاسپین یا دریای قزوین = Caspian Sea) در شمال ایران و خلیج فارس (Persian Gulf) در جنوب ایران پیوسته در محدوده جغرافیایی ایران زمین قرار داشته است (Jean- Louis Huot: Persia I. P. 13/ Pans). از سوی دیگر از مبدأ خلیج فارس و به همان مقصد کالاهای تجارتی در عصر زمام‌داری هخامنشیان تا فاصله هشتصد مایلی صادر و وارد می‌شده است. بازرگانی در ایران باستان و در دوران اسلامی پیوسته و بی‌هیچ وقفه‌ای و در هر شرایط جوی، اقلیمی، سیاسی و نظامی دریای پارس (خلیج فارس - بحرالعمم) استمرار و رونق داشته و بخش قابل توجهی از عایدات دولت‌ها در ایران باستان و دوران اسلامی از این دریا تأمین می‌شده است. (Persia, I, p 82)

اهمیت خلیج فارس در نزد ملل کهن و نقش محوری آن خلیج همیشه فارسی از نظر مورخان هیچ‌گاه پوشیده نمانده کما این‌که بزرگ‌ترین امپراطوری‌های جهان باستان که گاهی از غوب و زمانی از شرق تا مصر و فینقیه و سوریه و کشور هیتی و ارمنستان و ماد و عیلام و از



«الخلیج الفارسی» در بخش مفصل نقشه ابن الوردی که نقشه کامل آن در صفحه ۶۱ چاپ شده است.

جنوب تا خلیج فارس می‌رسید. تشکیل می‌دادند (سامی، علی: تمدن هخامنشی، جلد ۱، ص ۳۴۱).

سارگون یکم آکادمی (۲۵۸۴ تا ۲۵۳۴ پیش از میلاد) در یادنامه خود آورده است و از او این گونه نقل قول شده است: «من برآنم که از شمال تا جنوب بین‌النهرین را بگیرم و شمشیر خونینم را در آب‌های خلیج فارس شست‌وشو دهم. (ممتحن حسینیعلی، کلیات تاریخ عمومی، جلد ۱ - مبحث آشور، آکاد).

زبان‌های ایرانی از بین‌النهرین تا افغانستان و فلات پامیر و از قفقاز و آسیای مرکزی تا بحر عمان و خلیج فارس گسترده شده و در مقاطعی که شاهنشاهی ایران گسترش داشته تا کرانه‌های بحر اسود (دریای سیاه) و مرزهای مغولستان پیش رفته است (همان، ص ۷۴). کم‌خطرترین راه دریایی در مصر به نظر دانشمندان از راه خلیج فارس و فرات به سوریه و از آنجا یا از شهر صور توسط کشتی یا از راه فلسطین و شبه‌جزیره سینا به مصر می‌رفته‌اند. (همان، ص ۱۷۶).

بنا به روایت هرودت ستاسپه خواهرزاده داریوش بود و چون دختر یکی از سران اشراف پارسی را ربوده بود، به موجب قانون شدید پارسیان محکوم به اعدام گردید که می‌بایستی به چهارمیخ کشیده شود، ولی مادرش از خشایارشا تقاضای تخفیف مجازات او را به این نحو نمود که دور آفریقا را بگردد و به خلیج فارس برگردد. وی بخشی از کرانه‌های مغرب آفریقا تا سواحل گینه را پیش رفت، ولی بنا به تواریخ هرودت، خشایارشا گزارش اکتشافی او را صحیح ندانست و مجازات اعدام او را که به چهارمیخ کشیدن ستاسپه بود به اجرا درآورد (همان، ص ۲۸۴).

از میان راه‌های بازرگانی دریایی ساسانیان و پیش از آن معروف‌ترین و پرتودترین راهی بود که کشتی‌ها از هند، بحر عمان و خلیج فارس و از آنجا به دریای سرخ و دریای مغرب مربوط می‌شد. ابریشم هند از این راه و ابریشم چین از راه آسیای مرکزی (جاده ابریشم به ایران آمد، تمدن باستانی، جلد ۱، ص ۱۹۹). شاهراه بزرگ عصر ساسانی از تیسفون آغاز می‌شد و از حلوان به همدان می‌رسد و این راه در همدان به چند شاخه تقسیم می‌شد، یک راه از خوزستان و فارس به خلیج فارس و یک راه از خراسان و دره کابل به هندوستان و یک راه از ری و گیلان و بحر خزر به مناطق شمالی و راهی هم از ترکستان به چین می‌رفته است (همان، ص ۲۰۰). صائین در ایام کهن در کنار رودهای منتهی به مدیترانه شرقی و اقیانوس هند و خلیج فارس و دریای عمان و کنار رود دجله و فرات می‌زیسته‌اند (ص ۲۲۹). آمده است که اردشیر بالکان پس از گسترش فرمانروایی خود در خاک

پارس و کرمان و نواحی کرانه خلیج فارس، پیش از شکست اردوان پنجم واپسین شهر یا..... در فیروزآباد کاخ ساخت (تمدن ساسانی، جلد ۲، ص ۲۲۱). کوره اردشیر از شیراز به سوی جنوب تا خلیج فارس و جزایر جنوبی (از خارک تا قشم) و شرق آن دارا..... و عربستان کوره شاپور و مرکز آن شهرکور (فیروزآباد) بوده است. (ص ۲۲۲).

جنوب قلمرو امپراطوری عیلام به پایتختی شوش به کرانه خلیج فارس می‌رسید و این دریا مرکز تجارت شرق باستان از جمله عیلام بوده (ص ۲۴۳). سکیلکس، نه‌آرخ و پلنیوس..... به دریای پارس آمده‌اند. ناحیه هگر یکی از کرسی‌های فرمانروایی ساسانی در کرانه غربی خلیج فارس بوده است (ص ۳۲۳).

### پی‌نوشت‌ها:

۱. پیشینه تاریخی خلیج فارس ۱۳۵۷ - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲. وی در سال ۱۲۹۵ دیده به جهان گشوده و در ردیف اولاد عناصر ناصری به دارالفنون رفته (در نه سالگی). در آن زمان مؤسسه یا مدرسه دارالفنون که توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر که هنوز زنده بود، یکی از برجسته‌ترین مدارس به شمار می‌آمد.

۳. مرآت‌البلدان: تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه با تصحیحات، حواشی و فهرس از دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۶۸، چاپ دانشگاه تهران.

4. Huot, Jean- Louis: Persia, Volume I. From its Origins to the Achaemenids, English Translation by H. S. B. Harrison, Paris, 1965.

